



Examining the Challenges of Counselors In the Academic Guidance of Students with Physical and Motor Disabilities

Journal of Rehabilitation
Counseling
2025, Vol 1(3): 225-241
Jmr.uok.ac.ir

Fahimeh Fadakar Davarani¹ & *
Hossein Kazemi Nezhad²

Abstract

Background and Objective: Despite its critical importance, the academic guidance of students with physical and motor disabilities has consistently been accompanied by numerous challenges for counselors. This study seeks to examine these challenges in depth. The primary objective of the study was to identify and clarify the challenges faced by counselors in providing academic guidance to students with physical and motor disabilities.

Method: This study is fundamental in purpose and qualitative in nature, employing a content analysis approach. The temporal scope of the research covered the years 1402–1403, and the spatial scope included the cities of Tehran, Karaj, Hashtgerd, Qazvin, Urmia, and Golestan. The study population consisted of counselors with professional experience in the educational guidance of students with physical and motor disabilities. Participants were selected through non-random purposive sampling. Data were collected using in-depth, semi-structured exploratory interviews and analyzed through qualitative content analysis.

Findings: Analysis of the interview data resulted in the extraction of 32 sub-themes, which were organized into 9 main themes. The principal themes included: ineffectiveness of aptitude and ability assessments; limitations in choosing academic majors and career paths; unrealistic parental attitudes; attitudinal and emotional inconsistency among students; insufficient knowledge and skills of counselors; lack of physical facilities and adaptive equipment; inadequate capacity and supportive infrastructure in the major selection process; insufficient institutional cooperation and coordination; and the presence of structural inequality and educational discrimination.

Conclusion: The findings indicate that addressing the challenges faced by counselors in the academic guidance of students with physical and motor disabilities requires comprehensive corrective actions at systemic, environmental, and educational levels.

Keywords: *Academic Guidance, Counselors, Students with Physical and Motor Disabilities*

Received: 2025.10.28

Revised: 2025.11.27

Accepted: 2025.11.30

Citation: Fadakar Davarani, F., & Kazemi Nezhad, H. (2025). Examining the challenges of counselors in the academic guidance of students with physical and motor disabilities. *Journal of Rehabilitation Counseling*, 1(3), 225-241.

¹. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. f.fadakar@atu.ac.ir

². Graduated with a Master's degree in Rehabilitation Counseling. Allameh Tabataba'ei University.



نشریه مشاوره توانبخشی
سال اول / شماره ۳ / پاییز ۱۴۰۴
شماره صفحات: ۲۲۵-۲۴۱
Jmr.uok.ac.ir

بررسی چالش‌های مشاوران در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی

فهمیه فداکار داورانی^۱ و *

حسین کاظمی نژاد^۲

چکیده

زمینه و هدف: هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای کم‌توانی جسمی-حرکتی، با وجود اهمیت چشمگیر آن، همواره با چالش‌های متعددی برای مشاوران همراه بوده است. پژوهش حاضر با رویکردی عمیق به بررسی این چالش‌ها می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی و تبیین چالش‌های پیش روی مشاوران در فرآیند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای کم‌توانی جسمی-حرکتی بوده است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون است. افق زمانی تحقیق سال‌های ۱۴۰۲-۱۴۰۳ و افق مکانی آن شهرهای تهران، کرج، هشتگرد، قزوین، ارومیه و گلستان را دربرمی‌گیرد. جامعه پژوهش شامل مشاورانی بود که دارای تجربه کاری در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان با کم‌توانی جسمی و حرکتی بودند. نمونه‌گیری به‌صورت غیرتصادفی و هدفمند انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق، نیمه‌ساختاریافته و اکتشافی استفاده شد و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون صورت گرفت.

یافته‌ها: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به استخراج ۳۲ مضمون فرعی در قالب ۹ مضمون اصلی منجر شد. مضامین اصلی شامل ناکارآمدی آزمون‌های رغبت و توانایی، محدودیت در امکان انتخاب رشته و مسیر شغلی، نگرش‌های غیرواقع‌بینانه والدین، ناسازگاری‌های نگرشی و عاطفی دانش‌آموزان، ضعف دانش و مهارت‌های تخصصی مشاوران، فقدان امکانات فیزیکی و تجهیزات سازگار، نبود ظرفیت و زیرساخت‌های حمایتی در فرآیند انتخاب رشته، ضعف همکاری و هماهنگی نهادی، و نیز نابرابری‌های ساختاری و تبعیض آموزشی بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رفع موانع و چالش‌های مرتبط با نقش مشاوران در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای کم‌توانی جسمی و حرکتی، مستلزم اتخاذ اقدامات اصلاحی و هدفمند در سطوح سیستماتیک، محیطی و آموزشی است.

کلیدواژه‌ها: هدایت تحصیلی، مشاوران، دانش‌آموزان دارای کم‌توانی جسمی و حرکتی

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

ارجاع: فداکار داورانی، ف.، کاظمی نژاد، ح. (۱۴۰۴). بررسی چالش‌های مشاوران در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی. فصلنامه مشاوره توانبخشی، ۱ (۳)، ۲۲۵-۲۴۱

^۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. f.fadakar@atu.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

فرایند آموزش و هدایت تحصیلی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت، همواره مورد توجه روان شناسان، مشاوران و متخصصان آموزشی قرار داشته است (شان^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). از آنجا که هر فرد دارای ویژگی ها، توانایی ها و علایق متفاوتی است (دیزووالیورا، ۲۰۲۵)، انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی متناسب با این ویژگی ها نقش تعیین کننده ای در آینده تحصیلی و حرفه ای او دارد. هدایت تحصیلی دانش آموزان پایه نهم نیز به دلیل اثرگذاری مستقیم بر انتخاب های آینده، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (وانگ^۲ و یانلینگ^۳، ۲۰۲۴).

در صورت ارائه مشاوره صحیح، دانش آموزان می توانند با شناخت دقیق تر توانایی ها و فرصت ها، انتخاب های واقع بینانه تری داشته باشند (کیم و لی، ۲۰۲۳). در مقابل، راهنمایی نادرست موجب سردرگمی، کاهش انگیزش و حتی ترک تحصیل می شود (کیم^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). این در حالی است که انتخاب شغل و آماده سازی نوجوانان برای ورود به آن، یکی از نیازهای اساسی آنان در ایران و جهان بوده و در تحقق خود شکوفایی و تأمین نیازهای مهارتی جامعه نیز نقش دارد. از این رو، راهنمایی شغلی فرایندی است که به خودشناسی، تصمیم گیری صحیح و برنامه ریزی آینده کمک می کند (باقویوا^۵، ۲۰۲۵).

هدایت تحصیلی تحت تأثیر عوامل متعددی همچون مشاور، معلمان و ویژگی های فردی دانش آموز قرار دارد، و چنانچه بر پایه اطلاعات دقیق و معتبر اجرا شود، می تواند تصمیم گیری دانش آموز را به واقعیت نزدیک کند. مشاوران تحصیلی به عنوان پایه و اساس هدایت تحصیلی، نقش بسیار مهمی در کمک به دانش آموزان برای انتخاب مسیر تحصیلی مناسب ایفا می کنند. آن ها با شناسایی استعدادها، علایق و ویژگی های فردی دانش آموزان، به آن ها در انتخاب آگاهانه کمک می کنند. باین حال، شواهد نشان می دهد که مشاوران مدارس با چالش های متعددی در این فرایند روبه رو هستند (مالهران^۶، ۲۰۲۵).

براساس گزارش های رسمی، بیش از ۱۵۰ هزار دانش آموز دارای معلولیت در کشور وجود دارد؛ از جمله دانش آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی که به دلیل محدودیت های فیزیکی نیازمند شرایط آموزشی خاص هستند. این دانش آموزان علی رغم برخورداری از استعدادهای قابل توجه، به سبب ضعف زیرساخت ها، نارسایی ابزارهای ارزیابی و نبود تمهیدات مناسب، در فرایند هدایت تحصیلی با موانع جدی مواجه اند (لیندسی^۷ و کاگلیوسترو^۸، ۲۰۲۰).

پژوهش ها نشان داده اند که چالش های مشاوران در هدایت تحصیلی دانش آموزان معلول شامل تعصبات ناخودآگاه معلمان و مشاوران است که می تواند باعث محدود شدن اهداف تحصیلی این دانش آموزان شود (بام^۹ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، در تحقیقی دیگر (البهرائی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۵) به این نتیجه رسید که مشاوران در مدارس با محدودیت های ساختاری و نظامی متعددی مواجه اند که بر کیفیت راهنمایی تحصیلی آن ها تأثیر می گذارد. در تحقیقی دیگر (فرا^{۱۱} و دوپلسیس^{۱۲}، ۲۰۲۴) نشان داده اند که در مدارس با منابع محدود، نبود هدایت تحصیلی ساختاریافته، مشکلات جدی برای دانش آموزان ایجاد می کند. در پژوهشی دیگر (گال^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۵) در یک مرور نظام مند نشان داده اند که دانش آموزان دارای معلولیت با موانع فیزیکی، اجتماعی و آکادمیک مواجه اند که بر کیفیت خدمات هدایت تحصیلی تأثیر می گذارد. باوجود این حجم از پژوهش ها، اغلب مطالعات انجام شده یا به هدایت تحصیلی دانش آموزان عادی پرداخته اند یا به مشکلات عمومی دانش آموزان دارای معلولیت؛ و هیچ یک به طور مشخص و نظام مند به چالش های مشاوران مدارس در هدایت تحصیلی دانش آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی نپرداخته اند. این خلأ پژوهشی موجب شده شناخت دقیقی از موانع واقعی مشاوران - به عنوان کنشگران اصلی این فرایند - وجود نداشته باشد.

ضرورت انجام این پژوهش در این است که با شناسایی دقیق چالش های پیش روی مشاوران در هدایت تحصیلی دانش آموزان دارای معلولیت جسمی و حرکتی، بتوان به ارتقاء کیفیت فرایند مشاوره دست یافت. این امر، نه تنها به بهبود اثربخشی هدایت تحصیلی منجر می شود، بلکه زمینه ساز فراهم کردن شرایط بهینه برای این دانش آموزان و ارتقای توانمندی های آن ها در مسیر تحصیل و آینده شغلی می گردد. این در حالی است که هدایت تحصیلی مناسب، حق بنیادین هر دانش آموز است و تحقق عدالت آموزشی بدون توجه به نیازهای

¹ Shane

² Wang

³ Yanling

⁴ Kim

⁵ Bagoyeva

⁶ Malheran

⁷ Lindsay

⁸ Cagliostro

⁹ Bam

¹⁰ Al-Bahrani

¹¹ Fara

¹² Du Plessis

¹³ Gall

این گروه ممکن نیست. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی و تبیین چالش‌های مشاوران مدارس در فرآیند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی است.

۲. روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و رویکرد، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. هدف از این رویکرد، شناسایی و تبیین الگوها و مضامین معنادار در داده‌های کیفی برای دستیابی به درکی عمیق‌تر از تجربه‌های مشارکت‌کنندگان است. از نظر افق زمانی، پژوهش مقطعی بوده و گردآوری داده‌ها در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. میدان پژوهش شامل شهرهای تهران، کرج، قزوین، هشتگرد، ارومیه و گلستان بوده است؛ و جامعه آماری شامل مشاوران مدارس متوسطه اولی است که در پایه نهم، هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی را بر عهده داشته‌اند. نمونه‌گیری به روش غیرتصادفی هدفمند انجام شد و معیارهای ورود شامل حداقل دو سال سابقه مشاوره، تجربه مستقیم در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی و تمایل به شرکت در پژوهش بود. تعیین حجم نمونه براساس اصل اشباع نظری صورت گرفت.

۲-۱. ابزارها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. انتخاب این نوع مصاحبه به دلیل ماهیت اکتشافی و کیفی پژوهش و ضرورت دسترسی عمیق به تجارب، ادراکات و دیدگاه‌های مشاوران صورت گرفت. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند که ضمن طرح پرسش‌های محوری و از پیش طراحی‌شده، متناسب با پاسخ‌های ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، سؤالات باز، پیگیری‌کننده و تکمیلی را نیز مطرح نماید تا ابعاد پنهان‌تر و ظرایف تجربیات آنان روشن‌تر شود. راهنمای مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش و مرور ادبیات مرتبط تدوین شد و شامل پرسش‌هایی پیرامون تجربیات حرفه‌ای مشاوران، چالش‌ها و موانع موجود در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی و شرایط ساختاری و محیطی مؤثر بر این فرآیند بود. تمامی مصاحبه‌ها با کسب رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان و با استفاده از دستگاه ضبط صدا ثبت گردید. سپس فایل‌های صوتی به‌صورت دقیق و واژه‌به‌واژه پیاده‌سازی شد تا متن خام مصاحبه‌ها برای تحلیل کیفی و استخراج مضامین آماده شود.

۲-۲. روش اجرا

در مرحله نخست، پژوهشگر با شناسایی مشاوران واجد شرایط بر اساس معیارهای ورود به پژوهش (از جمله داشتن تجربه کاری مرتبط با هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی)، اقدام به برقراری ارتباط اولیه با آنان نمود. با برخی از مصاحبه‌شوندگان به صورت حضوری، و برخی دیگر که به علت مسافت زیاد امکان مصاحبه حضوری نبود به صورت تلفنی فرایند مصاحبه به عمل آمد. در این مرحله، اهداف، اهمیت و روند کلی پژوهش به‌طور شفاف برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت آگاهانه به‌صورت کتبی و شفاهی از آنان اخذ گردید. مصاحبه‌ها به‌صورت فردی و حضوری، در محیطی آرام، امن و عاری از هرگونه مزاحمت انجام شد تا شرایط لازم برای بیان آزادانه تجربیات و دیدگاه‌ها فراهم گردد. هر جلسه مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و زمان مصاحبه با توجه به میزان مشارکت، تمایل و شرایط هر یک از افراد قابل انعطاف بود. در طول اجرای پژوهش، اصول اخلاقی به‌طور کامل رعایت شد؛ به‌گونه‌ای که محرمانگی اطلاعات تضمین گردید، نام و مشخصات مشارکت‌کنندگان در گزارش نهایی ذکر نشد و داده‌ها صرفاً در راستای اهداف پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. همچنین به مشارکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که شرکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و در هر مرحله از پژوهش می‌توانند بدون هیچ پیامدی از ادامه همکاری انصراف دهند.

۲-۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از الگوی شش‌مرحله‌ای تحلیل مضمون براون^۱ و کلارک^۲ (۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار گرفت. این مراحل شامل آشنایی عمیق با داده‌ها از طریق مطالعه مکرر متون پیاده‌سازی‌شده مصاحبه‌ها، انجام کدگذاری اولیه و شناسایی واحدهای معنایی، استخراج و شکل‌دهی مضامین اولیه، بازبینی و پالایش مضامین به‌منظور اطمینان از انسجام درونی و تمایز میان آن‌ها، نام‌گذاری و تعریف نهایی مضامین، و در نهایت گزارش نویسی تحلیلی یافته‌ها بود. به‌منظور افزایش اعتبار و اطمینان‌پذیری یافته‌ها، از راهبردهای بازبینی اعضا،

¹ Brown

² Clark

بررسی همتایان و مستندسازی دقیق مراحل تحلیل استفاده شد؛ به گونه‌ای که فرایند تحلیل به صورت شفاف ثبت و امکان پیگیری و ارزیابی دقت و پایایی نتایج فراهم گردد.

۳. یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشاوران شرکت‌کننده نشان می‌دهد که تمامی مشارکت‌کنندگان دارای سابقه فعالیت حرفه‌ای در حوزه مشاوره بوده و سابقه کاری آنان بین ۳ تا ۳۵ سال متغیر است. از نظر تحصیلات، اغلب مشاوران دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مشاوره یا روان‌شناسی با گرایش‌های مرتبط از جمله مشاوره مدرسه، توانبخشی و خانواده هستند. دانشگاه محل تحصیل شرکت‌کنندگان متنوع بوده و شامل دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی است که این تنوع، غنای تجربی داده‌های کیفی پژوهش را تقویت می‌کند (جدول شماره ۱).

جدول ۱، گروه مشاوران مدارس شرکت‌کننده در مصاحبه

کد مصاحبه	سمت	رشته تحصیلی	گرایش تحصیلی	دانشگاه محل تحصیل	سابقه	سابقه مشاوره‌ای
۱	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره توانبخشی	علامه طباطبایی	۳	۳
۲	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره مدرسه	علامه طباطبایی	۳	۳
۳	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره مدرسه	علامه طباطبایی	۳	۳
۴	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره مدرسه	پیام نور قزوین	۳۵	۳۵
۵	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره مدرسه	علامه طباطبایی	۳	۳
۶	مشاور	کارشناسی مشاوره	مشاوره تحصیلی	نسیبه تهران	۶	۶
۷	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره خانواده	غیرانتفاعی خاتم	۳	۳
۸	مشاور	ارشد مشاوره	مشاوره خانواده	غیرانتفاعی تاکستان	۳	۳
۹	مشاور	ارشد روانشناسی	روانشناسی عمومی	آزاد کرج	۵	۵
۱۰	مشاور	ارشد روانشناسی	روانشناسی بالینی	آزاد قزوین	۱۰	۱۰

جدول ۲، مقولات اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه با مشاوران

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
ناهم‌ترازی چندسطحی در نظام هدایت تحصیلی: شکاف میان ساختارها، ابزارها، نگرش‌ها و توانمندی‌های فردی در فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی	ناکارآمدی آزمون‌های رغبت و توانایی	- عدم تطابق آزمون‌ها با وضعیت دانش‌آموزان - تفسیر نادرست آزمون‌ها - محدودیت نسبی تأثیر آزمون‌ها - مشکلات سیستمی بودن آزمون‌ها - نبود آزمون‌های ویژه برای معلولیت جسمی-حرکتی - نادیده گرفتن شرایط دانش‌آموزان در طراحی آزمون‌ها
محدودیت در امکان انتخاب رشته و مسیر شغلی	محدودیت درگزینه‌های شغلی دانش‌آموزان معلول	- محدودیت انتخاب رشته - نبود رشته‌های ویژه برای افراد دارای معلولیت - نبود همه رشته‌ها در مناطق مختلف کشور
نگرش غیرواقع‌بینانه والدین	درخواست والدین برای فعالیت‌های غیرقانونی	- غیرمنطقی بودن والدین - عدم قبول معلولیت از سوی والدین - ناامید والدین از آینده فرزند
ناسازگاری نگرشی و عاطفی دانش‌آموز	ناامیدی دانش‌آموز از ادامه تحصیل	

• حساسیت وزودرنجی دانش‌آموز • بالاتکلیفی درانتخاب رشته • انتظارات غیرمنطقی هنگام انتخاب رشته • داشتن افکار رویایی • انکار معلولیت	
• نآگاهی مشاور از مهارت‌های لازم • چالش‌های انتقال واقعیات به دانش‌آموز معلول	ضعف دانش و مهارت مشاوران
• نامناسب بودن میزوسندلی‌ها • نبود آسانسور ورمپ • نبود کلاس‌های ویژه • رنج‌آور بودن فضای مدارس برای دانش‌آموزان معلول	نبود امکانات فیزیکی و تجهیزات سازگار
• عدم وجود ظرفیت خاص برای انتخاب رشته • کمبود تدابیر حمایتی	نبود ظرفیت و زیرساخت حمایتی در روند انتخاب رشته
• عدم همکاری کارکنان مدرسه با مشاور • عدم همکاری اداره آموزش وپرورش • ناتوانی در رقابت با دانش‌آموزان عادی • مقایسه دانش‌آموزان عادی ومعلول	نبود همکاری و هماهنگی نهادی نابرابری ساختاری و تبعیض آموزشی

۳-۱. ناکارآمدی آزمون‌های رغبت و توانایی

این مضمون به این مفهوم کلی می‌پردازد که آزمون‌های استاندارد شدهٔ سنجش رغبت و توانایی دانش‌آموزان، در عمل نمی‌توانند به درستی اهداف اصلی خود را محقق کنند. این اهداف معمولاً شامل شناسایی استعدادها، راهنمایی تحصیلی و کمک به انتخاب مسیر شغلی مناسب است. زمانی که این آزمون‌ها ناکارآمد باشند، خروجی آنها نه تنها کمکی به دانش‌آموز و سیستم آموزشی نمی‌کند، بلکه ممکن است منجر به هدایت نادرست و اتلاف منابع نیز بشود. این مضمون شامل طبقات «عدم تطابق آزمون‌ها با وضعیت دانش‌آموزان، تفسیر نادرست آزمون‌ها، محدودیت نسبی تأثیر آزمون‌ها، مشکلات سیستمی آزمون‌ها، نبود آزمون‌های ویژه برای معلولیت جسمی-حرکتی، نادیده گرفتن شرایط دانش‌آموزان در طراحی آزمون‌ها» می‌باشد.

عدم تطابق آزمون‌ها با وضعیت دانش‌آموزان

این مضمون به این می‌پردازد که آزمون‌های استاندارد رغبت و توانایی، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و شرایط خاص دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی طراحی شده‌اند و در نتیجه قادر به سنجش دقیق استعدادها و علایق واقعی این گروه نیستند. کد ۵: در سوال‌های آزمون‌های رغبت و توانایی به این دانش‌آموزان اشاره نشده و مورد غفلت واقع شده‌اند و وضع این دانش‌آموزان لحاظ نشده است. کد ۷: در آزمون‌های رغبت و توانایی وضعیت دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی لحاظ نشده است و این آزمون‌ها بیشتر برای دانش‌آموزان عادی کارایی دارد.

تفسیر نادرست آزمون‌ها

این مضمون به چالش مشاوران در تحلیل نتایج این آزمون‌ها برای دانش‌آموزان معلول می‌پردازد، چرا که نمرات بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های حرکتی و تجربیات زندگی آنان تفسیر شده و منجر به راهنمایی تحصیلی نادرست می‌شود. کد ۷: تفسیر آزمون‌های رغبت و توانایی مختص افراد عادی است و برای معلولین کاربردی ندارد. کد ۹: مثلاً در سوالی می‌گوید که آیا کوهنوردی دوست داری؟ حتی اگر دانش‌آموز دوست داشته باشد ولی نمی‌تواند برود این موضوع را سیستم در تجزیه و تحلیلش لحاظ نمی‌کند.

محدودیت نسبی تأثیر آزمون‌ها

این مضمون بیان می‌کند که نتایج آزمون‌های رغبت و توانایی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی به دلیل عدم توجه به عوامل تعیین‌کنندهٔ دیگری مانند امکانات محیطی، نگرش جامعه و محدودیت‌های اشتغال، تأثیر کمتری در هدایت تحصیلی مؤثر آنان دارد. کد ۹: اگر در آزمون‌های رغبت و توانایی سوال‌های مخصوص افراد معلول گنجانده شوند به آنها در شناخت استعداد و توانایی خود کمک

خواهد شد ولی آزمون‌های فعلی برای دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی‌کارایی ندارد. کد ۱۰: این آزمون‌ها کارایی لازم را نداشته و نمی‌تواند استعدادیابی دقیقی از دانش‌آموزان به عمل آورد.

مشکلات سیستمی بودن آزمون‌ها

این مضمون به مشکلات فنی و زیرساختی پلتفرم‌های اینترنتی و نرم‌افزارهای برگزاری آزمون‌ها می‌پردازد که برای دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی غیرقابل دسترس است؛ موانعی مانند عدم سازگاری با نرم‌افزارهای خوانش صفحه، فقدان قابلیت‌های کنترل صوتی و طراحی غیراستاندارد رابط کاربری که استفاده از آن‌ها را مختل می‌کند. کد ۹: با دانش‌آموز معلول همانند یک دانش‌آموز عادی رفتار می‌کند ولی اگر بداند که این دانش‌آموز معلول است شاید یک تحلیل دیگر لحاظ کنند.

نبود آزمون‌های ویژه برای معلولیت جسمی و حرکتی

این مضمون به فقدان ابزارهای سنجش استاندارد شده‌ای اشاره دارد که متناسب با توانایی‌ها و شرایط جسمی خاص دانش‌آموزان دارای معلولیت حرکتی طراحی شده باشد و در نتیجه مشاوران را از دستیابی به ارزیابی دقیق و منصفانه از استعدادها و علایق این دانش‌آموزان محروم می‌کند. کد ۱۰: آزمون‌های رغبت و توانایی برای دانش‌آموزان معلول طراحی نشده است و شرایط این دانش‌آموزان در نظر گرفته نشده است.

نادیده گرفتن شرایط دانش‌آموزان در طراحی آزمون‌ها

این مضمون به این واقعیت می‌پردازد که در فرایند طراحی آزمون‌های رغبت و توانایی، نیازهای خاص دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی (مانند سرعت عمل، دسترسی فیزیکی و روش‌های جایگزین پاسخگویی) به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه این ابزارها از پایه برای سنجش توانایی‌های واقعی آنان نامناسب هستند. کد ۱۰: شرایط این دانش‌آموزان در آزمون‌های رغبت و توانایی در نظر گرفته نشده است.

۳-۲. محدودیت در امکان انتخاب رشته و مسیر شغلی

این مضمون به این مفهوم کلی می‌پردازد که دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی با موانع و محدودیت‌های ساختاری، آموزشی و اجتماعی متعددی در انتخاب رشته تحصیلی و مسیر شغلی مناسب روبه‌رو هستند. این محدودیت‌ها باعث می‌شود نتوانند براساس استعدادهای و علایق واقعی خود تصمیم‌گیری کنند و در نتیجه فرصت‌های رشد و اشتغال آنان به‌شدت کاهش یابد. این مضمون شامل طبقات «محدودیت در گزینه‌های شغلی دانش‌آموزان معلول، محدودیت انتخاب رشته، نبود رشته‌های ویژه برای افراد دارای معلولیت، نبود همه رشته‌ها در مناطق مختلف کشور» می‌باشد.

محدودیت در گزینه‌های شغلی دانش‌آموزان معلول

این مضمون به کمبود مشاغل مناسب، در دسترس و انعطاف‌پذیر برای افراد دارای معلولیت جسمی-حرکتی در بازار کار اشاره دارد که ناشی از موانع فیزیکی محیط‌های کاری، نگرش‌های منفی و فقدان سیاست‌های حمایتی است. کد ۲: مسیرهای شغلی این دانش‌آموزان محدودتر است و رشته‌های کمی برای این دانش‌آموزان وجود دارد. کد ۴: متأسفانه جامعه حمایت کافی از این دانش‌آموزان را به عمل نمی‌آورد و فقط برخی رشته‌های سازمانی و هنری برای این دانش‌آموزان مناسب هستند. کد ۵: مهم‌ترین دغدغه این دانش‌آموزان آینده شغلی‌شان است و می‌خواهند رشته‌ای را بخوانند که در آینده صاحب شغل شوند و متأسفانه بازار کار مناسب شرایط این افراد کم است.

محدودیت انتخاب رشته

این مضمون به موانع عملی و ساختاری موجود در فرایند هدایت تحصیلی و ثبت‌نام اشاره دارد که دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی را از انتخاب رشته‌های تحصیلی متناسب با استعدادهایشان محروم می‌کند. کد ۲: این دانش‌آموزان به‌دلیل داشتن محدودیت‌های بدنی خود به خود انتخاب‌هایشان محدود می‌شوند. کد ۴: ناتوانی مهم است؛ که اولین مورد تعیین سطح معلولیت است. قطعاً کسی که ضعف در عضلات دارد نمی‌تواند انتخاب‌های متعددی در فرایند هدایت تحصیلی داشته باشد. و به برخی از رشته‌های هنری هدایت می‌شود.

نبود رشته‌های ویژه برای افراد دارای معلولیت

این مضمون به فقدان رشته‌های تحصیلی طراحی‌شده متناسب با توانمندی‌ها و شرایط خاص دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که منجر به محدود شدن گزینه‌های تحصیلی و شغلی آنان می‌شود. کد ۳: برای دانش‌آموزان عادی ما افرادی را برای سخنرانی می‌آوریم ولی برای دانش‌آموزان معلول از افراد معلول موفق استفاده نمی‌کنیم. مثلاً ما باید رشته‌هایی به دانش‌آموزان معرفی کنیم که با شرایط جسمانی آن‌ها مطابقت داشته باشد. کد ۵: با در نظر گرفتن شرایط فیزیکی افراد معلول قطعاً انتخاب بهتری می‌توانیم داشته باشد و ما در خیلی از رشته‌های فنی نیازمند این امر هستیم که فرد شرایط عادی را داشته باشد.

نبود همه رشته‌ها در مناطق مختلف کشور

این مضمون به توزیع نامتوازن امکانات و رشته‌های تحصیلی در سطح کشور اشاره دارد که منجر به محرومیت دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی در مناطق کمتر برخوردار از دسترسی به رشته‌های متنوع می‌شود. کد ۱: دانش‌آموز در وضعیت موجود از انتخاب مدرسه عاجز است مثلاً در هنرستان دانش‌آموز معلولی که می‌خواهد رشته کامپیوتر بخواند می‌بیند که در هر منطقه‌ای هنرستان و همه رشته‌ها موجود نمی‌باشد نزدیک خانه آن‌ها نیست و این خود یک چالش است و این امر باعث به دردرس انداختن والدین نیز می‌شود. کد ۶: در شهرستان‌ها مدارس مختلف وجود ندارند و این باعث می‌شود دانش‌آموز نتواند در رشته درخواستش تحصیل کند.

۳-۳. نگرش غیرواقع‌بینانه والدین

این مضمون به باورها، انتظارات و رفتارهای ناسازگار والدین دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی می‌پردازد که فرایند هدایت تحصیلی و شغلی را با چالش مواجه می‌سازد. این نگرش‌ها اغلب ریشه در عدم آگاهی، پذیرش نداشتن معلولیت و تجربیات محدود دارد. این مضمون اصلی شامل طبقات «درخواست والدین برای فعالیت‌های غیرقانونی، غیرمنطقی بودن والدین، عدم قبول معلولیت از سوی والدین، ناامیدی والدین از آینده فرزند» می‌باشد.

درخواست والدین برای فعالیت‌های غیرقانونی

این مضمون به درخواست‌ها و فشارهای والدین برای انجام اقداماتی خارج از چارچوب قانونی و مقررات (مانند تقلب در آزمون‌ها یا دریافت گواهی‌های پزشکی غیرواقعی) به منظور عبور فرزندشان از موانع تحصیلی اشاره دارد. کد ۱: مثلاً من یک دانش‌آموز معلول شدید داشتم ولی اصرار داشتند که فرزندشان به سمت رشته مکانیک برود و کلاً ایده‌آل فکر می‌کنند و انتظارات بیجا از مشاور دارند که خلاف قانون عمل کند. کد ۲: خانواده‌ها بسیاری از مطالب را که در وظیفه مدیر و دیگر کارکنان مدرسه است را به مشاور مدرسه می‌گویند و از آن‌ها انتظار دارند که این مشکلات را حل کنند. ولی مشاور باز هم باید انتقال دهنده مطالب به شورای معلمان و علی‌الخصوص مدیر مدرسه باشد.

غیرمنطقی بودن والدین

این مضمون به انتظارات و توقعات نامعقول والدین از توانایی‌های فرزند دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که با واقعیت‌های فیزیکی و امکانات موجود همخوانی ندارد و باعث ایجاد فشار مضاعف بر دانش‌آموز و مشاور می‌شود. کد ۱: والدین خیلی غیرواقع‌بینانه نگاه می‌کنند مثلاً من یک دانش‌آموز معلول شدید داشتم ولی اصرار داشتند که فرزندشان به سمت رشته مکانیک برود و کلاً ایده‌آل فکر می‌کنند. کد ۹: هر طور شده می‌خواهد فرزندش در مقطع متوسطه دوم و در رشته‌ای که واقعا شرایط حضور در آن را ندارد ادامه تحصیل دهد و حاضر به پذیرش واقعیت و رفتن به رشته واقع‌بینانه نیستند.

عدم قبول معلولیت از سوی والدین

این مضمون ناظر بر انکار یا مقاومت عاطفی والدین در پذیرش محدودیت‌های ناشی از کم‌توانی جسمی - حرکتی فرزندشان است؛ امری که به شکل‌گیری انتظارات و انتخاب اهداف تحصیلی و شغلی غیرواقع‌بینانه برای دانش‌آموز منجر می‌شود. کد ۷: والدین در فرایند هدایت تحصیلی، فرزند خود را فردی سالم تلقی می‌کنند و انتظار دارند انتخاب رشته او مشابه دانش‌آموزان عادی انجام شود. کد ۸: برخی اولیا اساساً مشکل فرزندشان را نمی‌پذیرند و تمایلی به مواجهه با واقعیت ندارند. کد ۹: متأسفانه تعدادی از والدین پذیرش کم‌توانی فرزندشان را رد می‌کنند و در برابر این موضوع مقاومت شدیدی نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که با اصرار آنان، دانش‌آموز در مدارس عادی تحصیل می‌کند و والدین به‌طور کامل هرگونه مشکل را انکار می‌کنند.

ناامیدی والدین از آینده فرزند

این مضمون به احساس درماندگی و یأس والدین در مورد فرصت‌های تحصیلی و شغلی پیش‌روی فرزند دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که منجر به کاهش حمایت و بی‌توجهی به استعدادها و واقعیات دانش‌آموز می‌شود. کد ۸: این دانش‌آموزان اکثراً ناامید هستند و امید و انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارند. کد ۹: و موجب پایین آمدن اعتماد به نفس این افراد می‌شود و احساس سرخوردگی، منزوی شدن، افسرده شدن و... باعث کم شدن انگیزه تحصیلی دانش‌آموز می‌شود و او تصمیم می‌گیرد که درس نخواند. کد ۱۰: این دانش‌آموزان در مدارس عادی هدف مشخصی ندارند.

۳-۴. ناسازگاری نگرشی و عاطفی دانش‌آموز

این مضمون به چالش‌های روانی و ذهنی درونی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی می‌پردازد که فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب مسیر شغلی را با مشکل مواجه می‌سازد. این مضمون شامل طبقات «ناامیدی دانش‌آموز از ادامه تحصیل، حساسیت و زودرنجی

دانش‌آموز، بالاترین در انتخاب رشته، کمبود خودآگاهی، انتظارات غیرمنطقی هنگام انتخاب رشته، داشتن افکار رویایی، انکار معلولیت می‌باشد.

نامیدی دانش‌آموز از ادامه تحصیل

این مضمون به احساس درماندگی و بی‌پناهی دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که به دلیل موانع فیزیکی، نبود امکانات و نگرش‌های منفی محیط، انگیزه خود را برای ادامه تحصیل از دست داده است. کد ۸: این دانش‌آموزان اکثراً ناامید هستند و امید و انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارند. کد ۹: و موجب پایین آمدن اعتماد به نفس این افراد می‌شود و احساس سرخوردگی، منزوی شدن، افسرده شدن و... باعث کم شدن انگیزه تحصیلی دانش‌آموز می‌شود و او تصمیم می‌گیرد که درس نخواند. کد ۱۰: این دانش‌آموزان در مدارس عادی هدف مشخصی ندارند.

حساسیت و زودرنجی دانش‌آموز

این مضمون به آسیب‌پذیری عاطفی و واکنش شدید دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی در برابر نظرات، رفتارها یا موانع محیطی اشاره دارد که فرایند مشاوره و هدایت تحصیلی را با چالش مواجه می‌کند. کد ۲: مشاور باید این دید جزئی‌نگر را از بین ببرد و با هنر خود به دانش‌آموز بفهماند که مناسب این کار نیست و این دانش‌آموزان چون زودرنج و حساس هستند مشاور خیلی هوشمندانه باید عمل کند. کد ۷: این دانش‌آموزان دارای روحیه حساسی هستند و ممکن است با کوچک‌ترین حرف‌ها ناراحت شوند.

بالاترین در انتخاب رشته

این مضمون به سردرگمی و عدم توانایی دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته تحصیلی اشاره دارد که ناشی از محدودیت اطلاعات، ترس از آینده و تضاد بین علایق شخصی و محدودیت‌های جسمانی است. کد ۲: و به وسیله این‌ها به شناخت دانش‌آموز پیروز و به او خودآگاهی بدهد این دانش‌آموزان دچار سرگردانی می‌باشند. کد ۵: و اصولاً در انتخاب رشته و تصمیم‌گیری دچار ابهام و سرگردانی هست. کد ۱۰: این دانش‌آموزان در مدارس عادی هدف مشخصی ندارند.

انتظارات غیرمنطقی هنگام انتخاب رشته

این مضمون به تمایل دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی برای انتخاب رشته‌هایی اشاره دارد که با توانایی‌های فیزیکی و امکانات دسترس او همخوانی ندارد و ناشی از ارزیابی نادرست از شرایط واقعی است. کد ۴: یکی از ویژگی‌های اولیه یک مشاور واقعیت‌مدار بودن است و ما باید شناخت واقع بینانه را در این افراد ایجاد می‌کند. کد ۵: ما باید به این دانش‌آموزان آگاهی بخشی کنیم که این کار برای شما مناسب نیست. کد ۶: این دانش‌آموزان اکثراً تصمیمات خارج از توان خود را می‌گیرند مثلاً انتظار دارند که در رشته‌ای مانند مکانیک تحصیل کنند.

داشتن افکار رویایی

این مضمون به تمایل دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی به انتخاب اهداف و آرمان‌های تحصیلی-شغلی کاملاً دور از واقعیت و بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های جسمانی و امکانات موجود اشاره دارد. کد ۱: این رویاپردازی را به فرزندشان نیز انتقال داده‌اند و آن‌ها نیز نمی‌توانند منطقی تصمیم بگیرند. کد ۴: ما باید تمام مسیر را به او نشان دهیم و اگر دانش‌آموز انتظارات خارج از حیطه توانایی خود داشته باشد کار مشاور دشوار می‌شود.

انکار معلولیت

این مضمون به مقاومت روانی دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی در برابر پذیرش محدودیت‌های ناشی از شرایط خود اشاره دارد که منجر به انتخاب اهداف تحصیلی و شغلی ناسازگار با واقعیت‌های فیزیکی می‌شود. کد ۴: والدین و دانش‌آموز، معلولیت را اکثراً نمی‌پذیرند و اصرار بر این دارند که مشاور مدرسه با آن‌ها همانند دانش‌آموزان عادی رفتار کند. کد ۱۰: و باید به آن‌ها این دو مهارت آموزش داده شود. و این دسته از دانش‌آموزان باید درک و ادراک صحیحی نسبت به نقص خود داشته باشند.

۳-۵. ضعف دانش و مهارت مشاوران

این مضمون به کمبودهای تخصصی، آموزشی و عملی مشاوران مدارس در زمینه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی می‌پردازد. این مضمون اصلی شامل طبقات «ناآگاهی مشاور از مهارت‌های لازم، چالش‌های انتقال واقعیات به دانش‌آموز معلول» می‌باشد.

ناآگاهی مشاور از مهارت‌های لازم

این مضمون به کمبود تخصص و آموزش‌های عملی مشاوران در زمینه روش‌های هدایت تحصیلی، ارزیابی توانایی‌ها و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد. کد ۷: ما در دانشگاه یاد نمی‌گیریم که چطور با یک فرد معلول جلسه مشاوره برگزار کنیم و به او خدمات بدهیم. کد ۸: مشاورین ما اکثراً همچنین واحدهایی را نخوانده‌اند مگر اینکه خود مشاور در دوره‌های مربوطه شرکت کرده باشد. کد ۱۰: خیر متأسفانه ما بلد نیستیم و مدرسه هم همچنین انتظاری از من مشاور ندارد چون تعداد این دانش‌آموزان پایین است.

چالش‌های انتقال واقعیات به دانش‌آموز معلول

این مضمون به دشواری‌های ارتباطی و عاطفی مشاور در بیان محدودیت‌های واقعی شغلی و تحصیلی به دانش‌آموز دارای معلولیت جسمی-حرکتی بدون ایجاد ناامیدی یا کاهش عزت نفس اشاره دارد. کد ۱: من دانش‌آموز را در جریان قرار می‌دهم و واقعیات را به او نشون می‌دهم و به او آگاهی می‌دهم حتی اگر این آگاهی تلخ باشد چون نمی‌خواهم اشتباه قدم بردارد و آینده‌اش خراب شود. کد ۴: و اکثر این دانش‌آموزان از رشته‌های مختلف آگاهی کامل ندارند و نمی‌دانند که آن رشته چه شرایط و ویژگی‌هایی دارد. و ما واقعیت را به دانش‌آموز معلول می‌گوییم حتی اگر این واقعیت تلخ باشد. کد ۸: باید آگاهی‌سازی کنیم و مسیری که می‌خواهند انتخاب کنند را پیش‌روی آن دانش‌آموز می‌گذاریم و ما نمی‌توانیم برای دانش‌آموز تصمیم‌گیری کنیم و اگر رشته‌ای که انتخاب می‌کند به شرایطش نمی‌خورد من ممانعت می‌کنم.

۳-۶. نبود امکانات فیزیکی و تجهیزات سازگار

این مضمون به فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی، تجهیزات و امکانات محیطی لازم برای حضور و دسترسی کامل دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی در مدارس و مراکز آموزشی اشاره دارد. این مضمون شامل طبقات «نامناسب بودن میز و صندلی‌ها، نبود آسانسور و رمپ، نبود کلاس‌های ویژه، رنج‌آور بودن فضای مدارس برای دانش‌آموزان معلول» می‌باشد.

نامناسب بودن میز و صندلی‌ها

این مضمون به عدم تطابق تجهیزات پایه کلاس‌های درس (مانند ارتفاع، اندازه و طراحی میز و صندلی) با نیازهای جسمی دانش‌آموزان دارای معلولیت حرکتی اشاره دارد که موجب ناراحتی، خستگی و کاهش تمرکز آنان می‌شود. کد ۸: خیلی از تجهیزات مدرسه مناسب دانش‌آموزان جسمی و حرکتی نمی‌باشد. مثلاً جای نشستن دانش‌آموز نیمکت‌ها و صندلی‌ها متناسب نیست. کد ۹: یک سری تأثیرات گرچه مستقیم نیستند ولی غیر مستقیم بر روی عملکرد هدایت تحصیلی تأثیر گذارند، مثلاً نیمکت‌ها برای افراد عادی تعبیه شده است و نشستن روی این نیمکت‌ها برای دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی چالش‌زاست.

نبود آسانسور و رمپ

این مضمون به فقدان امکانات حرکتی اولیه در ساختمان مدارس برای جابجایی بین طبقات اشاره دارد که دسترسی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی به کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها و سایر فضاهای آموزشی را به شدت محدود می‌کند. کد ۷: این دانش‌آموزان اغلب قادر به راه‌رفتن نیستند و در مدارس ما آسانسور یا سطوح شیب‌دار تعبیه نشده‌است و حال اگر کلاس‌ها هم در طبقات بالا باشد این دشواری‌ها دوچندان می‌شود. کد ۹: یا مثلاً محیط ساختمان مدرسه برای رفت و آمد دانش‌آموزان عادی تعبیه شده‌است فاقد امکاناتی همچون پله برقی و آسانسور است و اگر دانش‌آموز ما مشکل راه رفتن داشته باشد، رفت و آمدش به کلاس درس دچار مشکل می‌شود.

نبود کلاس‌های ویژه

این مضمون به فقدان فضاهای آموزشی مجهز و مناسب‌سازی‌شده برای دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که بتوانند با استفاده از امکانات و تجهیزات تخصصی، در محیطی ایمن و بدون مانع به یادگیری بپردازند. کد ۴: همه مدارس شبیه هم هست و مدارس خاص شرایط این افراد وجود ندارد. کد ۸: همچنین مدارس مختص این دانش‌آموزان طراحی نشده است و آن‌ها در مناطق زندگی‌شان نمی‌توانند به راحتی به مدرسه رفت و آمد کنند.

رنج‌آور بودن فضای مدارس برای دانش‌آموزان معلول

این مضمون به شرایط فیزیکی و روانی محیط آموزشی اشاره دارد که به دلیل عدم مناسب‌سازی، موجب ایجاد درد، ناراحتی جسمی یا فشار عصبی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی می‌شود. کد ۸: این دانش‌آموزان اکثراً در مدارس تنها هستند و جو مدرسه خیلی کسل‌کننده است. کد ۹: این دانش‌آموزان در محیط مدرسه با چالش‌های روانی نیز روبه‌رو هستند به‌طوری که ممکن است توسط دانش‌آموزان دیگر مورد تمسخر قرار گیرند دو موجب پایین آمدن اعتماد به نفس این افراد می‌شود و احساس سرخوردگی و منزوی شدن افسرده شدن و... باعث کم شدن انگیزه تحصیلی دانش‌آموز می‌شود و او تصمیم می‌گیرد که درس نخواند. کد ۱۰: و این دانش‌آموزان نمی‌توانند با بقیه دانش‌آموزان ارتباط بگیرند و توسط دوستانشان طرد می‌شوند.

۳-۷. نبود ظرفیت و زیرساخت حمایتی در روند انتخاب رشته

این مضمون به فقدان سازوکارها، منابع و سیستم‌های سازمان‌یافته برای پشتیبانی از دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی در فرآیند انتخاب رشته اشاره دارد. این مضمون شامل طبقات «عدم وجود ظرفیت خاص برای انتخاب رشته، کمبود تدابیر حمایتی» می‌باشد.

عدم وجود ظرفیت خاص برای انتخاب رشته

این مضمون به فقدان سهمیه‌بندی و ظرفیت‌های اختصاصی در نظام هدایت تحصیلی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد که موجب می‌شود این دانش‌آموزان نتوانند در رقابت با سایرین، رشته‌های متناسب با شرایط خود را انتخاب کنند. کد ۶: در فرآیند انتخاب رشته ما شاهد رقابت نابرابر هستیم و هیچ گونه ظرفیت خاصی برای این دانش‌آموزان نداریم. کد ۸: فرایند هدایت تحصیلی کامل نیست و نواقص دارد. آن چیزی که مد نظر من است این است که باید یک سری ظرفیت‌های خاصی برای این دانش‌آموزان در نظر بگیرند. کد ۹: دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی با مشکلاتی مواجه هستند. برای معلولیت‌های جسمی و حرکتی باید ظرفیت خاص در نظر بگیریم.

کمبود تدابیر حمایتی

این مضمون به نبود سیاست‌ها، برنامه‌ها و خدمات پشتیبانی برای تسهیل فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد. کد ۱: ما باید برخی قانون‌ها را تغییر دهیم که دچار تسهیل کار این دانش‌آموزان شویم مثلاً این دانش‌آموزان به مدرسه گوشی بیاورند که بتوانند صدای معلم را ضبط کنند. کد ۲: شرایط درس خواندن این دانش‌آموزان به مراتب سخت‌تر از دانش‌آموزان عادی است (دشوار بودن تحصیل برای دانش‌آموزان معلول) و به نظر من برای این دانش‌آموزان تسهیلات خاصی را ایجاد کنیم. کد ۷: در سیستم آموزش ما قوانینی وضع نشده است که تحصیل را برای این دانش‌آموزان آسان‌تر کند.

۳-۸. نبود همکاری و هماهنگی نهادی

این مضمون به فقدان تعامل، هماهنگی و مشارکت مؤثر بین نهادها، سازمان‌ها و افراد درگیر در فرآیند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد. این مضمون شامل طبقات «عدم همکاری کارکنان مدرسه با مشاور، عدم همکاری اداره آموزش و پرورش» می‌باشد.

عدم همکاری کارکنان مدرسه با مشاور

این مضمون به فقدان همراهی و هماهنگی لازم بین کادر آموزشی و اداری مدرسه (مانند معلمان و مدیر) با مشاور در فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد. کد ۲: دیگر چالش این دانش‌آموزان این است که از جانب مدیر و کارکنان مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. کد ۳: به مواقع زیادی بوده ولی پرسنل مدرسه در زمینه هفته مشاغل و یا موقع صدور برگه کمکی به ما نمی‌کنند و چون این افراد از جمعیت اقلیت هستند توجهی به این افراد نمی‌شود. کد ۴: اولاً اینکه اکثر مدیرها دیدگاه مشاوره‌ای ندارند و در زمینه مشاوره با مشاور مدرسه همراه نیستند. کد ۷: مشاور مدرسه با تعداد زیادی از دانش‌آموزان روبه‌رواست و بقیه عوامل مدرسه اعم از مدیر و معاونین به مشاور کمک نمی‌کنند.

عدم همکاری اداره آموزش و پرورش

این مضمون به نبود پشتیبانی، منابع و دستورالعمل‌های لازم از سوی ادارات آموزش و پرورش برای تسهیل فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی اشاره دارد. کد ۱: کلاً هدایت تحصیلی که مخصوص افراد عادی است را به زور به خورد این دانش‌آموزان داده‌ایم و همچنین سازمان ذی‌ربط نیز برای این دانش‌آموزان وجود ندارد و کلاً هدف نظام آموزش این هست که این دانش‌آموز فقط دیپلم بگیرد و رشته و استعداد و آینده شغلی این افراد اصلاً مهم نیست و مشاور در این مسیر خیلی تنه‌است و منطقه، آموزش و پرورش مدیر و... و هیچ گونه همکاری با او ندارند. کد ۳: به مواقع زیادی بوده ولی پرسنل مدرسه در زمینه هفته مشاغل و یا موقع صدور برگه کمکی به ما نمی‌کنند و چون این افراد از جمعیت اقلیت هستند توجهی به این افراد نمی‌شود. کد ۸: مدیر مدرسه راه حل مناسب و اقدامات تسهیلی از این جهت که هدایت تحصیلی این افراد را راحت کنند برای ما انجام نمی‌داد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های مشاوران در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی و حرکتی انجام شد. با بررسی مصاحبه‌های انجام شده، ۳۲ مضمون فرعی و ۹ مضمون اصلی به دست آمده است.

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که متناسب‌سازی ابزارهای ارزیابی می‌تواند دسترسی‌پذیری، روایی و پایایی این ابزارها را برای افراد دارای نیازهای ویژه به‌طور معناداری افزایش دهد (کویجمانز^۱، ۲۰۲۴). همچنین ارزیابی‌های روان‌سنجی ابزارهای گذار تحصیلی نشان داده است که آزمون‌های رغبت و توانایی که برای دانش‌آموزان عادی استاندارد شده‌اند، توان پیش‌بینی کافی برای عملکرد واقعی دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی ندارند و نیازمند استفاده از ابزارهای مکمل مانند ارزیابی‌های عملکردی هستند (ربردن^۲، ۲۰۲۵). در بررسی‌های مرور نظام‌مند نیز تأکید شده است که بی‌توجهی به حمایت‌ها و سازگارکننده‌های محیطی دقت هدایت تحصیلی در این گروه را کاهش می‌دهد (لی^۳ و همکاران، ۲۰۲۵؛ بومان^۴، ۲۰۲۰). با توجه به شواهد فوق، ناکارآمدی آزمون‌های رغبت و توانایی در میان دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی نتیجه عدم انطباق این ابزارها با شرایط عملکردی، محدودیت‌های حرکتی، خستگی و شیوه پاسخ‌دهی این گروه است؛ زیرا ابزارهای فعلی بر اساس جمعیت عادی طراحی و هنجاریابی شده‌اند و نمی‌توانند بازنمایی دقیقی از توانایی‌ها و فرصت‌های واقعی آنان ارائه دهند. به همین دلیل، ضروری است مشاوران نتایج آزمون‌ها را تنها به‌عنوان یکی از منابع تصمیم‌گیری در نظر بگیرند و تحلیل خود را با مصاحبه، مشاهده عملکردی، بررسی شرایط محیطی و نیازهای سازگارسازی تکمیل کنند تا هدایت تحصیلی دقیق‌تر و عادلانه‌تری صورت گیرد.

در پژوهش‌های همسو به این موارد اشاره شده که دانش‌آموزان دارای معلولیت با محدودیت‌هایی در دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب مواجه هستند و اغلب گزینه‌های شغلی آن‌ها با توانایی‌های فردی آن‌ها همخوانی ندارد (لیائو^۵، ۲۰۲۴). در یک مطالعه دیگر گزارش شد که نبود سازوکارهای حمایت شغلی و کمبود برنامه‌های مهارت‌آموزی، سبب می‌شود این دانش‌آموزان نتوانند به‌طور کامل مسیر شغلی خود را ارزیابی و انتخاب کنند (لوهر^۶، ۲۰۲۵). همچنین در یک تحقیق مشاهده شد که بسیاری از محیط‌های آموزشی و کاری هنوز با نیازهای ویژه افراد معلول سازگار نشده‌اند و این امر به محدود شدن گزینه‌های شغلی واقعی منجر می‌شود (لوسی^۷ و همکاران، ۲۰۲۵). محدودیت در گزینه‌های شغلی دانش‌آموزان معلول عمدتاً ناشی از کمبود برنامه‌های حمایت و عدم سازگارسازی محیط است. وقتی دانش‌آموز فرصت تجربه واقعی، مهارت‌آموزی و اطلاعات تخصصی درباره فرصت‌های شغلی ندارد، انتخاب‌های او محدود و به گزینه‌های کم‌تنوع تقلیل می‌یابد. بنابراین ایجاد برنامه‌های کارورزی سازگار، آموزش مهارت‌های زندگی و شغلی و توسعه مشاوره تخصصی می‌تواند امکان انتخاب مسیرهای شغلی مناسب را افزایش دهد.

در پژوهشی همسو مشاهده شد که والدین دانش‌آموزان دارای معلولیت گاهی انتظاراتی فراتر از توانایی‌های واقعی فرزندشان دارند و این امر می‌تواند مسیر هدایت تحصیلی و شغلی را محدود کند (لوسی و همکاران، ۲۰۲۵). در یک مطالعه دیگر گزارش شد که والدینی که آگاهی کافی از توانمندی‌ها و محدودیت‌های واقعی فرزندشان ندارند، معمولاً فشار روانی و اجتماعی بر دانش‌آموز وارد می‌کنند و باعث انتخاب‌های نامتناسب می‌شوند (اوزساوران^۸ و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین یک تحقیق نشان داد که این نوع نگرش، نقش مهمی در کاهش استقلال دانش‌آموز در تصمیم‌گیری و محدود کردن گزینه‌های واقعی تحصیلی و شغلی دارد (لیائو، ۲۰۲۴). نتایج نشان می‌دهد که نگرش غیرواقع‌بینانه والدین، محدودیت‌ها و فشارهایی ایجاد می‌کند که تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان معلول را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط، دانش‌آموزان ممکن است انتخاب‌هایی انجام دهند که با توانایی‌های واقعی‌شان همخوانی ندارد و استقلال تصمیم‌گیری آن‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین آموزش والدین درباره توانایی‌ها و محدودیت‌های فرزندانشان، ارائه مشاوره تخصصی و مشارکت والدین در برنامه‌های هدایت تحصیلی می‌تواند به کاهش این محدودیت کمک کند.

مطالعات نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای معلولیت که با ناسازگاری نگرشی و عاطفی مواجه‌اند، تحت تأثیر عوامل متعددی مانند ناامیدی از ادامه تحصیل، حساسیت و زودرنجی، بلا تکلیفی در انتخاب رشته، کمبود خودآگاهی، انتظارات غیرمنطقی، داشتن افکار رویایی و انکار معلولیت قرار دارند. این شرایط می‌تواند توانایی تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی آن‌ها را محدود کرده و اعتماد به نفس و خودکارآمدی‌شان را کاهش دهد (گارسیا-سبریان^۹، ۲۰۲۴؛ آمالفی، ۲۰۲۳؛ برتیلز^{۱۰}، ۲۰۲۱). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فشار

¹ Kooijmans

² Reardon

³ Lee

⁴ Bauman

⁵ Liao

⁶ Lohr

⁷ Lu se

⁸ Özsavran

⁹ Garcia Cebrian

¹⁰ Bertils

همسالان و ضعف مهارت‌های اجتماعی و هیجانی می‌تواند شدت ناسازگاری را افزایش دهد و توانایی دانش‌آموز برای ارزیابی واقع‌بینانه توانایی‌های خود را مختل کند (زنگ^۱، ۲۰۲۳). این مضمون نشان می‌دهد که ناسازگاری نگرشی و عاطفی یک عامل محدودکننده جدی در فرایند هدایت تحصیلی و شغلی است. دانش‌آموزانی که با ناامیدی، حساسیت، بلاتکلیفی، کمبود خودآگاهی، انتظارات غیرمنطقی، افکار رویایی و انکار معلولیت مواجه‌اند، تصمیم‌گیری‌شان تحت فشار روانی قرار گرفته و گزینه‌های واقعی و مناسب با توانایی‌هایشان محدود می‌شود. بنابراین ارائه مشاوره روانشناختی، آموزش مهارت‌های خودآگاهی و مدیریت هیجانات، و حمایت محیطی می‌تواند شدت این ناسازگاری‌ها را کاهش داده و فرایند تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی را بهبود ببخشد.

مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از مشاوران مدارس دانش‌آموزان دارای معلولیت، دانش و مهارت کافی برای ارائه راهنمایی تحصیلی و شغلی مناسب این گروه را ندارند. این کمبود دانش باعث می‌شود اطلاعات ارائه شده ناقص یا غیرمنطبق با نیازهای واقعی دانش‌آموزان باشد و انتخاب‌های تحصیلی و شغلی محدود شود (فراکو^۲، ۲۰۲۵). پژوهش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که نبود آموزش تخصصی برای مشاوران، عدم آشنایی با برنامه‌های تطبیقی و محدودیت در مهارت‌های ارتباطی و روان‌شناختی، کیفیت مشاوره را کاهش داده و بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد (اشتاین^۳، ۲۰۲۴). این مضمون نشان می‌دهد که ضعف دانش و مهارت مشاوران، یک عامل محدودکننده مهم در هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان معلول است. مشاورانی که آموزش و تجربه کافی ندارند، نمی‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا گزینه‌های واقعی و مناسب با توانایی‌های خود را شناسایی کنند. بنابراین آموزش‌های تخصصی برای مشاوران، تقویت مهارت‌های ارتباطی و روان‌شناختی، و دسترسی به ابزارهای مشاوره‌ای مدرن می‌تواند کیفیت هدایت تحصیلی و شغلی این دانش‌آموزان را به طور چشمگیری افزایش دهد.

بسیاری از مدارس، فاقد امکانات فیزیکی مناسب و تجهیزات سازگار برای دانش‌آموزان دارای معلولیت هستند. نبود رمپ، آسانسور، سرویس‌های بهداشتی استاندارد، میز و صندلی قابل تنظیم و ابزارهای کمک آموزشی باعث محدود شدن مشارکت و حضور فعال دانش‌آموزان می‌شود (فرناندز-باتانرو^۴، ۲۰۲۲). پژوهش‌های دیگر نیز نشان می‌دهند حتی در صورت دسترسی به تجهیزات، کمبود آموزش برای معلمان و نبود زیرساخت مناسب مانع بهره‌برداری مؤثر از آن‌ها می‌شود (مارینیو^۵، ۲۰۲۴؛ آل‌راوی^۶ و آل‌کحتانی^۷). بررسی‌های ملی نیز تأکید می‌کنند که بسیاری از مدارس ایران استانداردهای لازم برای حضور مؤثر دانش‌آموزان معلول را ندارند (نوریان و همکاران، ۲۰۲۲). نبود امکانات فیزیکی و تجهیزات سازگار، یک مانع ساختاری جدی برای یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان دارای معلولیت است. فقدان رمپ، آسانسور، سرویس بهداشتی مناسب، میز و صندلی قابل تنظیم و ابزارهای کمکی، دسترسی فیزیکی و حضور مؤثر در کلاس را محدود می‌کند، بهره‌وری آموزشی را کاهش می‌دهد و فرصت توسعه مهارت‌های عملی و انتخاب مسیر تحصیلی را محدود می‌سازد. این کمبودها همچنین بر جنبه‌های روانی-اجتماعی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارند و باعث کاهش خودکارآمدی، انزوای اجتماعی و افت انگیزه می‌شوند. رفع این محدودیت‌ها نیازمند مناسب‌سازی محیط، تأمین تجهیزات و فناوری‌های کمکی، آموزش معلمان و کارکنان و ایجاد سازوکار نظارت و نگهداری است تا مشارکت واقعی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تضمین شود.

دانش‌آموزان دارای معلولیت در فرایند انتخاب رشته با محدودیت‌های جدی مواجه هستند؛ بسیاری از مدارس و مؤسسات آموزشی فاقد ظرفیت و زیرساخت‌های لازم برای حمایت از آن‌ها هستند. نبود مشاوران آموزش‌دیده، کمبود منابع آموزشی تخصصی، فقدان برنامه‌های شخصی‌سازی‌شده و محدودیت دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و سامانه‌های هدایت تحصیلی باعث می‌شود دانش‌آموزان نتوانند تصمیمات آگاهانه و واقع‌بینانه‌ای در انتخاب رشته اتخاذ کنند (نوریان و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که نبود سیاست‌های مالی مناسب، کمبود نیروی متخصص و عدم تطبیق محیط آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان معلول، توانایی آنان در برنامه‌ریزی تحصیلی را محدود می‌کند (اسوال^۸ و همکاران، ۲۰۲۴). نبود ظرفیت و زیرساخت‌های حمایتی، یک مانع ساختاری کلیدی است که نه تنها انتخاب رشته را محدود می‌کند، بلکه انگیزه و خودباوری دانش‌آموزان را نیز کاهش می‌دهد. وقتی مدارس یا مؤسسات آموزشی فاقد سیاست‌های حمایتی و منابع کافی باشند، دانش‌آموز مجبور است به گزینه‌های محدود یا کم‌تناسب قناعت کند و درک واقعی از توانمندی‌ها و مسیرهای تحصیلی خود نخواهد داشت. برای رفع این مشکل، ضروری است که سیاست‌گذاران آموزشی سرمایه‌گذاری

¹ Zeng

² Fraco

³ Stein

⁴ Fernandez Batanero

⁵ Marinho

⁶ AlRawi

⁷ Al- AlKahtani

⁸ Oswal

هدفمند در زیرساخت‌ها، آموزش مشاوران متخصص و ایجاد برنامه‌های حمایتی جامع را در دستور کار قرار دهند تا ظرفیت واقعی انتخاب مسیر تحصیلی برای دانش‌آموزان معلول فراهم شود.

در بررسی‌هایی که به موضوع هماهنگی بین نهادها و سامانه‌های حمایتی پرداخته‌اند، یافته‌ها روندی یکسان را نشان می‌دهند: در یک مطالعه میدانی گزارش شد که نبود رویه‌های گزارش‌دهی مشترک و کانال‌های ارتباطی رسمی میان مدرسه و نهادهای توان‌بخشی، موجب گسست پیگیری‌های آموزشی و ناکارآمدی برنامه‌های گذار می‌شود (نوریان و همکاران، ۲۰۲۲). در یک پژوهش دیگر ایرانی، بررسی ضوابط و مناسب‌سازی فضاهای آموزشی نشان داد کمبود سازوکارهای سازمانی و نقایص در هماهنگی بین دستگاهی (ادارات، مراکز توان‌بخشی و مدارس) مانع اجرای مستمر خدمات حمایتی برای دانش‌آموزان معلول شده است (دونگلین^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). مطالعه‌ای خارجی که ارزیابی یک مدل همکاری بازتوانی شغلی و آموزشی را انجام داد نشان می‌دهد که شکل‌گیری شراکت‌های رسمی بین واحدهای آموزشی، مراکز توان‌بخشی و آژانس‌های اشتغال می‌تواند دسترسی به فرصت‌های کارآموزی و حمایت‌های گذار را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد و نتایج انتقال را بهبود بخشد (کولزر^۲، ۲۰۲۳). نبود همکاری و هماهنگی نهادها یک مانع نهادی چندوجهی است که هم جریان اطلاعات و هم دسترسی به منابع عملی را قطع می‌کند؛ وقتی پروتکل‌ها، قراردادهای همکاری یا کانال‌های گزارش‌دهی مشترک وجود نداشته باشد، اطلاعات بالینی و آموزشی موردنیاز برای طراحی برنامه‌های فردی هدایت و گذار منتقل نمی‌شود و مشاوران عملاً فاقد دسترسی به خدمات توان‌بخشی، کارورزی یا پشتیبانی بازار کار خواهند بود؛ از سوی دیگر، فقدان ساختارهای مالی و اجرایی مشترک باعث می‌گردد تلاش‌های نوآورانه محلی پایدار نماند و نتایج مثبت محلی به سطح نظامی منتقل نشود. بنابراین لازم است که سیاست‌گذاران و مدیران آموزش و پرورش (۱) پروتکل‌های رسمی هماهنگی و توافق‌نامه‌های بین‌آژانسی تدوین کنند، (۲) کانال‌های بودجه و مسئولیت‌گذاری مشخص برای برنامه‌های گذار ایجاد کنند، و (۳) تیم‌های چندسازمانی منظم با ابزارهای پیگیری داده‌محور شکل دهند؛ تنها با این سه اقدام هم‌زمان و ساختاری است که گزینه‌های واقعی انتخاب رشته و مسیر شغلی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت گشوده و پایدار خواهد شد.

در پژوهش‌هایی که نابرابری‌ها و تبعیض در نظام آموزشی نسبت به افراد دارای معلولیت را بررسی کرده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که نابرابری ساختاری زمینه‌ساز محرومیت آموزشی است؛ یک مطالعه تحلیلی در حوزه عدالت آموزشی نشان داده است که رویه‌ها و سیاست‌های پذیرش و توزیع فرصت‌های آموزشی در برخی مقاطع، به‌ویژه برای گروه‌های محروم (از جمله دانش‌آموزان دارای معلولیت) سازوکارهایی ایجاد کرده‌اند که به‌طور نظام‌مند دسترسی آنان را محدود می‌کند (شلبی‌کار^۳ و همکاران، ۱۴۰۳). پژوهش‌های میدانی در ایران نیز بر بار کمبود منابع تخصیص‌یافته، ضعف مناسب‌سازی فضاها و فقدان سیاست‌های جبرانی مؤثر تأکید کرده‌اند که در عمل تبعیض ساختاری را تشدید می‌کند (دونگلین^۴ و همکاران، ۲۰۲۵). مرورهای نظام‌مند بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورها نابرابری ساختاری (شامل کمبود بودجه هدفمند، ضعف هماهنگی بین‌نهادها و عدم طراحی برنامه‌های شخصی‌سازی‌شده) مانع مؤثر شدن سیاست‌های فراگیر می‌شود و تجربه تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت را تضعیف می‌کند (اوسوال، ۲۰۲۵). نابرابری ساختاری و تبعیض آموزشی پی‌گیره‌ای از عوامل سازمانی، مالی و اجرایی است که دسترسی برابر به آموزش را برای دانش‌آموزان دارای معلولیت ناتمام می‌گذارد؛ این نوع تبعیض نه صرفاً نتیجه رفتارهای منفرد، بلکه ناشی از کمبود سیاست‌های جبرانی و طراحی نابرابر نظام آموزشی است. وقتی تخصیص بودجه به‌صورت غیرهدفمند انجام می‌شود، استانداردهای مناسب‌سازی فضا و تجهیزات پیاده نمی‌شوند، و فرایندهای پذیرش یا طراحی رشته‌ها بدون در نظر گرفتن نیازهای ویژه شکل می‌گیرند، نتیجه آن می‌شود که این دانش‌آموزان از فرصت‌های یادگیری و کسب مهارت‌های عملی محروم می‌مانند. علاوه بر این، فقدان مکانیزم‌های پایش و اصلاح (مثلاً شاخص‌های عملکرد مربوط به دسترسی و مشارکت) و نبود رویه‌های هماهنگ میان نهادهای آموزشی و حمایتی، موجب تداوم چرخه محرومیت می‌شود؛ دانش‌آموزانی که تجربه آموزشی نابرابر دارند، در رقابت با همسالان عادی آسیب‌پذیرتر شده و در بلندمدت امکان ورود به مسیرهای شغلی و تحصیلی متناسب کاهش می‌یابد. برای شکستن این چرخه لازم است اقدام‌های ساختاری انجام شود: تخصیص بودجه هدفمند برای مناسب‌سازی و نیروی انسانی، تدوین پروتکل‌های جبرانی و نظارتی، و پیاده‌سازی سازوکارهای پایش مؤثر که نتایج دسترسی و مشارکت گروه‌های دارای معلولیت را رصد و اصلاح کند؛ تنها در این صورت است که می‌توان تبعیض نهادی را کاهش و برابری آموزشی را تحقق بخشید.

بررسی چالش‌های مشاوران در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی نشان داد که این فرایند تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، نهادی و ساختاری قرار دارد. ناکارآمدی آزمون‌های رغبت و توانایی، محدودیت در امکان انتخاب رشته و مسیر شغلی، نگرش‌های غیرواقع‌بینانه والدین، ناسازگاری نگرشی و عاطفی برخی دانش‌آموزان، ضعف دانش و مهارت حرفه‌ای مشاوران، نبود امکانات

¹ Dong lin

² Kulzer

³ Shelby Carr

⁴ Dong lin

فیزیکی و تجهیزات سازگار، فقدان ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های حمایتی، نبود همکاری و هماهنگی نهادی و در نهایت وجود نابرابری ساختاری و تبعیض آموزشی، همگی تصویری جامع از موانع موجود را ترسیم کردند. این مجموعه عوامل، نه تنها روند هدایت تحصیلی را برای دانش‌آموزان دارای معلولیت پیچیده و نامتوازن می‌کند، بلکه موجب می‌شود انتخاب رشته و مسیر شغلی آنان بیشتر از آنکه مبتنی بر توانایی‌ها، علایق و شایستگی‌ها باشد، تابع محدودیت‌ها و موانع بیرونی قرار گیرد. بر این اساس، ضروری است سیاست‌گذاران آموزشی با اصلاح ساختارهای ارزیابی، افزایش ظرفیت‌های حمایتی، توانمندسازی مشاوران، ایجاد همکاری بین‌بخشی، افزایش امکانات فیزیکی و توسعه رشته‌های متناسب با شرایط دانش‌آموزان دارای معلولیت، زمینه تحقق عدالت آموزشی و فراهم‌سازی انتخابی آگاهانه و برابر را ایجاد کنند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله تعداد اندک مشاورانی که تجربه مستقیم کار با دانش‌آموزان دارای معلولیت را داشته‌اند، مواجه بود که فرآیند نمونه‌گیری را با مشکل روبرو کرد. علاوه بر این، برخی از مشاوران تمایل نداشتند چالش‌های خود را به طور کامل بیان کنند، به ویژه چالش‌های مرتبط با ضعف سیستم آموزشی که این امر می‌تواند بر جامعیت داده‌های جمع‌آوری شده تأثیر بگذارد.

۴-۱. پیشنهادهای پژوهشی

برای توسعه مبانی نظری پژوهش، می‌توان چالش‌های مشاوران را در مدارس مختلف (دولتی، خصوصی و ویژه) و مناطق جغرافیایی متفاوت (کلان‌شهر، شهرستان و روستا) مقایسه کرد. همچنین، انجام مطالعه طولی به شناسایی تحول چالش‌های مشاوران در طول زمان و تأثیر آن بر کیفیت خدمات کمک می‌کند. علاوه بر این، بررسی تأثیر سیاست‌های آموزشی بر چالش‌های مشاوران و نحوه تأثیرگذاری این سیاست‌ها بر خدمات ارائه‌شده به دانش‌آموزان دارای معلولیت می‌تواند به درک عمیق‌تری از مسائل ساختاری منجر شود.

در سطح عملی، تشکیل گروه‌های کانونی با حضور مشاوران، معلمان، اولیا و دانش‌آموزان می‌تواند بستری برای تبادل نظر درباره چالش‌ها و راهکارهای موجود فراهم کند. انتخاب چند مدرسه به عنوان نمونه و مطالعه موردی آن‌ها نیز امکان بررسی دقیق‌تر چالش‌های مشاوران را فراهم می‌آورد. همچنین، طراحی و توزیع پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها درباره چالش‌ها، نیازها و تجربیات مشاوران در زمینه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارای معلولیت می‌تواند به تدوین برنامه‌های عملیاتی مناسب کمک کند.

۵. تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند؛ که هیچ گونه تعارض منافع در ارتباط با این مقاله وجود ندارد.

۶. تأییدیه اخلاقی و رضایت مشارکت‌کنندگان

این پژوهش با پایبندی کامل به اصول اخلاق در تحقیق و با احترام به شأن و کرامت انسانی شرکت‌کنندگان انجام شده است. پیش از آغاز فرایند گردآوری داده‌ها، هدف و ماهیت پژوهش به صورت روشن برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت آگاهانه آنان جلب گردید. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با حفظ محرمانگی کامل و تنها برای مقاصد علمی مورد استفاده قرار گرفت و هویت هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در هیچ مرحله‌ای افشا نشد. اصول کنوانسیون هلسینکی نیز رعایت شده است.

۷. منابع مالی

در این مطالعه بودجه پژوهشی خاصی از طرف هیچ موسسه‌ای دریافت نشد.

۸. رضایت به انتشار

نویسندگان متعهد می‌شوند که نسخه مورد نظر این مقاله در جای دیگری جهت چاپ ارسال نشده و موافقت خود را جهت انتشار در این مجله اعلام می‌دارند.

۹. سپاسگزاری

از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش مراتب قدردانی و تشکر را به عمل می‌آوریم.

References

- AlRawi, J. M., & AlKahtani, M. A. (2021). Universal design for learning for educating students with intellectual disabilities: A systematic review. *International Journal of Developmental Disabilities*, 68(6), 800–808. <https://doi.org/10.1080/20473869.2021.1900505>
- Amalfi, A., et al. (2023). Mental health problems among transition-aged youth with physical disabilities: Prevalence and correlates. *Frontiers in Rehabilitation Sciences*, 4, 106946. <https://doi.org/10.3389/fresc.2023.106946>
- Bam, Armand; Kriger, Samantha; & Cottle, Zelda. (2023). A (mis)guidance of disabled youth: Post-secondary schooling transition experiences in South Africa. *African Journal of Disability*, 12, Article 1293. <https://doi.org/10.4102/ajod.v12i0.1293>
- Baqoyeva Zarina Rayimovna. (2025). Psychological approach to career guidance for adolescents. *Multidisciplinary Journal of Science and Technology*, 5(6), 1312-1314. <https://mjstjournal.com/index.php/mjst/article/view/4140>
- Bertills, K., et al. (2021). Students' self-efficacy in self-regulation and aptitude to participate: Longitudinal associations in students with disabilities. *Frontiers in Psychology*, 12, 607329. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.607329>
- Boman, T. (2020). The need for support and adaptation in the workplace among persons with different types of disabilities and reduced work ability. *Scandinavian Journal of Disability Research*, 22(3). <https://doi.org/10.16993/sjdr.672>
- Carr, S., Atkin, A. J., & Milton, K. (2025). 'You have to make it accessible and it's really not': priority actions to support disabled people to be physically active. *Disability and Rehabilitation*, 47(12), 3144–3150. <https://doi.org/10.1080/09638288.2024.2417032>
- Diniz, A. M., de Oliveira, H., & Oliveira, L. (2025). Filling the gap between career choice and academic variables: Abilities and interests. *International Journal of STEM Education*, 12, Article 45. <https://doi.org/10.1186/s40594-025-00572->
- Farao, A., & Du Plessis, M. (2024). The need for structured career guidance in a resource-constrained South African school. *African Journal of Career Development*, 6(1), a116. <https://doi.org/10.4102/>
- Fernández-Batanero, J. M., Montenegro-Rueda, M., Fernández-Cerero, J., & García-Martínez, I. (2022). Assistive technology for the inclusion of students with disabilities: a systematic review. *Educational technology research and development*, 70(5), 1911-1930. <https://doi.org/10.1007/s11423-022-10127-7>
- Feraco, T., et al. (2025). Social, emotional, and behavioral skills in students with and without specific learning disabilities. *Journal of School Psychology*, 89, 45–62. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2024.05.003>
- García-Cebrián, P. S., et al. (2024). Trends and challenges in the mental health of university students with disabilities: A systematic review. *International Journal of Mental Health Systems*, 18, 74. <https://doi.org/10.1186/s13033-024-00674-3>
- Gull, M., Kaur, N., & Basha, S. E. (2025). A systematic review of challenges faced by students with disabilities in higher education. *Annals of Neuroscience*. <https://doi.org/10.1177/09727531251344705>
- Kim, Youngsik, & Lee, Hojun. (2023). Investigating the effects of career education programs on high school students' career development competencies in Korea. *Sustainability*, 15(18), 13970. <https://doi.org/10.3390/su151813970>
- Kooijmans, R., van Langen, M., Voss, H., Reichrath, E., Maljaars, J., Dalemans, R., & Moonen, X. (2024). Does adapting a self-report instrument to improve its cognitive accessibility for people with intellectual disability result in a better measure? A cognitive interview study. *Research in Developmental Disabilities*, 154, 104851. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2024.104851>
- Kulzer, J., Beck, K. B., Trabert, C., Meyer, E. C., Colacci, J., Pramuka, M., & McCue, M. (2023). A vocational rehabilitation partnership to provide transition services to young adults with neurodevelopmental disabilities: The cognitive skills enhancement program. *Journal of Vocational Rehabilitation*, 58(2), 155–164. <https://doi.org/10.3233/JVR-230005>
- Lee, C. (2025). Career adaptability in special educational needs populations: A systematic review. *Behavioral Sciences*, 15(7), 927. <https://doi.org/10.3390/bs15070927>

- Liao, C. W., Juan, S. N., Ho, W. S., Sun, S. J., & Hsieh, Y. J. (2024). Key facets of effective career development for students with intellectual disabilities: insights from a Taiwanese high school case study. *International Journal of Developmental Disabilities*, 70(7), 1318-1331. <https://doi.org/10.1080/20473869.2024.2363013>
- Lin, D., Levy, S., & Campbell, F. K. (2025). Disability and employment in China: a Guangzhou case study. *Disability & Society*, 40(6), 1646-1668. <https://doi.org/10.1080/09687599.2024.2368556>
- Lindsay, Sally .& Cagliostro, Elaine. (2020). A web-based intervention for youth with physical disabilities: Comparing the role of mentors in 12- and 4-week formats. *JMIR Pediatrics and Parenting*, 3(1), e15813. <https://doi.org/10.2196/15813>
- Lu, S. E., Moyle, B., Yang, E. C. L., & Reid, S. (2025). Inclusion of people with disability (PWD) in the tourism workforce: A critical discourse analysis of policies and plans. *Tourism Review*, 80(9), 1597-1613. doi: <https://doi.org/10.1108/TR-12-2023-0887>
- Luhr, M. (2025). Expanding work-based learning and transition opportunities to improve employment outcomes for young people with disabilities. *Research in Career and Technical Education Journal*, 1(1). <https://rcej.scholasticahq.com/article/140961>
- Marinho, M. C. (2024). Assistive technologies and school inclusion. *LEV — Revista*, 15(43), 8014-8027 <https://doi.org/10.56238/levv15n43-028>
- Mulhern, F. P. (2025). *Instructional Leadership Capacity and Development of Assistant Principles* (Doctoral dissertation, Purdue University Graduate School).
- Potluri, V., Pandey, M., Begel, A., Barnett, M., & Reitherman, S. (2022). Codewalk: Facilitating shared awareness in mixed-ability collaborative software development. In *Proceedings of the 24th International ACM SIGACCESS Conference on Computers and Accessibility* (pp. 1-16). <https://doi.org/10.1145/3517428.3544812>
- Oswal, N., Al-Kilani, M. H., Faisal, R., & Fteiha, M. (2025). A systematic review of inclusive education strategies for students of determination in higher education institutions: Current challenges and future directions. *Education Sciences*, 15(5), 518. <https://doi.org/10.3390/educsci15050518>
- Özsavran, M., Karakaya, C., & Bahadır, Ö. (2025). 'I can't take my eyes off her' problems and difficulties experienced by mothers caring for their intellectually disabled children at home: a qualitative research. *International Journal of Developmental Disabilities*, 71(4), 610-625. <https://doi.org/10.1080/20473869.2024.2378243>
- Reardon, K., Unruh, D. K., LaRoque, S., & Shoulberg, E. (2025). Pathway to independence: Validity evidence of a transition assessment tool for students with disabilities. *Assessment for Effective Intervention*, 50(4), 176-197. <https://doi.org/10.1177/15345084251357491>
- Shane-Simpson, C., Desens, E., Kleutsch, A., & Obeid, R. (2022). Relationships Among Study Guide Format, Academic Motivation, Self-Efficacy, and Student Grades. *Teaching of Psychology*, 52(1), 33-38. <https://doi.org/10.1177/00986283221134594>
- Stein, B., et al. (2024). Stress, resilience, and emotional well-being in children and adolescents with learning disabilities: A narrative review. *Children and Youth Services Review*, 142, 107469. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107469>
- Wang, Danqi; Li, Yanling; & Wang, Gang. (2024). A systematic review on career interventions for high school students. *Frontiers in Psychology*, 15. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1461503>
- Zhang, H., Cao, R., Pang, S., & Wang, Y. (2023). Peer victimization and psychosocial adjustment among children of parents with physical disabilities in China: a comparative study. *Journal of interpersonal violence*, 38(17-18), 9967-9984. <https://doi.org/10.1177/08862605231169747>